



مجموعہ موسیقی جہان ۱۱

پاپو رائیس

دارموسیقی پست تونال

علی احمدی شر





افکار جدید

## پلورالیسم در موسیقی پست تونال

نویسنده: علی احمدی فر

مدیر تولید: احسان طالبی  
چاپ و صحافی: پردیس دانش  
شمارگان ۳۰۰ نسخه  
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۷۴-۱۸-۷  
حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

نشانی: بزرگراه نواب صفوی شمال، نبش آذربایجان، جنب ایستگاه متروی نواب،  
برج گردون، ورودی شمال، طبقه ۹، واحد ۹۰۳  
کدپستی ۱۳۱۹۶۵۳۸۸۶ - تلفن دفتر و دوزنگار: ۶۶۳۸۳۳۱۸

 nashreafkar@gmail.com  
 @nashrafkar  
 nashreafkar  
 Fidibo.com/nashreafkar  
 Taaghche.ir/nashreafkar

## فهرست مطالب

---

۹.....	مقدمه
۱۵.....	موسیقی مُدال
۲۳.....	موسیقی تونال
۴۳.....	موسیقی نُستونال
۱۴۱.....	جمع بندی
۱۴۶.....	کتاب نامه
۱۴۸.....	نماینه
۱۴۸.....	اشخاص
۱۴۹.....	آثار موسیقی
۱۵۱.....	مکاتب و اصطلاحات تخصصی

## مقدمه

هنرمند مؤلف به واسطه آشنایی با استعداد و درونیات خود و آگاهی از میراث حرفه‌ای خویش توانسته معنای وجودی خود را در هنر خود بیابد. این معنا در هنر، همیشه وابسته به ذات خود هنرمند و ذات اساسی خاص آن هنر در هر زمانه‌ای بوده است. بدیهی است که شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، به هر صورت، تأثیر بی چون و چرای خود را بر کیفیت کار هنرمند گذاشته‌اند، اما این ذات هنر اصیل و شخصی هنرمند است که پیشروی زمانه خود بوده و با مقیاسی انسانی، تاریخ هنر را ساخته است. هنرمند مولف و پیشرو، در هر زمان، همان‌طور که از سویی، با تجارب علمی و تاریخی، مقتضیات هنری، سنت‌ها و مسائل عرفی آن دوره درگیر بوده، از سویی دیگر، در صدد کشف دنیا‌های نو، فضا‌های اثیری و تجارب جدید خود و به‌خصوص ارتباط با وجوه مختلف و متعدد درونیات و دغدغه‌های چندوجهی شخصی خود نیز بوده است.

اگر به تاریخ رشد و تحولات مکاتب هنری موسیقی و تاریخ کمپوزیسیون<sup>۱</sup> یا آثار مکتوب موسیقی که ریشه در شروع نت‌نویسی به مفهوم امروزی در قرون وسطای اروپا و ایجاد پلی‌فونی از قرون نهم و دهم میلادی دارد، نگرینده شود و به جریان‌های هنری در حدود دوره باروک تا موسیقی دوره کلاسیک و پس از آن که به سمت موسیقی مطلق پیش می‌رود و به شخصیتی که به‌خصوص، بتهوون برای هنرمند ایجاد می‌کند، نظر افکنده شود، ملاحظه می‌گردد که لازمه دانش هنرمند مؤلف و جامعه هنری در هر دوره‌ای، آشنایی با خصوصیات و مفاهیم هنر معاصر وی است. به‌خصوص در دوره معاصر و قرن بیست و یکم که سرعت تحولات هنری، رشدی شتاب‌گونه دارد و از سویی، روش بررسی و تحلیل هنر امروز بسیار متفاوت از دوره‌های پیشین است.

۱. Composition: فعالیتی که به ایجاد اثر موسیقی می‌انجامد. این واژه اغلب در تضاد با پداه‌نوازی یا پداه‌پردازی استفاده شده است. این تضاد که مرز آن کاملاً واضح نیست، مفهوم آن نیز به‌طور گسترده‌ای در زمان و مکان متغیر بوده است.

در مقایسه با هنر دوره‌های گذشته که به‌طور معمول با فرم‌های مشخص و قابل پیش‌بینی دست به‌گریبان بود و از این رو، رویارویی با آن امری سهل‌تر می‌نمود، چندوجهی بودن هنر معاصر و در نتیجه، عدم قطعیت آن از سویی، به عظمت و فرهنگ گسترده این دوران بسیار افزوده و از سویی دیگر به همین دلایل، با ایجاد ابهام، به پیچیدگی‌های هنر معاصر می‌افزاید. هنر امروز از جهتی قابل مقایسه با دوره‌های پیش نیست، اما برای شناخت آن به‌شدت وابسته به گذشته است. چندوجهی بودن، چند انگارانه بودن، چندگانگی و یا پلورالیسم هنری، از مشخصات اصلی و شاید مهم‌ترین آن است که پلی استایللیسم<sup>۱</sup> آلفرد اشنیتکه<sup>۲</sup> روسی، توتالیسم<sup>۳</sup> بسیاری از آهنگسازان آمریکایی چون مایکل گوردون<sup>۴</sup> و بسیاری از زمینه‌های فکری آهنگسازان موسیقی معاصر، نتیجه آن است.

موسیقی بعد از دوران تونال یعنی به‌طور عمده از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تا به امروز، موسیقی‌ای که امروز با عنوان «پست‌تونال» شناخته می‌شود، دارای وجوه متعدد و نگرش‌های متفاوت و متضادی است که گاهی همزمان در یک اثر دیده می‌شود. و این حالت تعدد وجوه همزمان متضاد، در آثار هنری معاصر، به عقیده نگارنده، پلورالیسم در موسیقی پست‌تونال است. پل گریفیث<sup>۵</sup> (مورخ شهیر آمریکایی) می‌گوید: «پلورالیسم، استفاده از استیل‌های مختلف در یک اثر و اغلب همزمان است.» این اصطلاحی است که برای نخستین بار برای آثار برنر آلوینس زیمرمان<sup>۶</sup> آلمانی به کار رفت و سپس به آثار بزرگانی چون لوجیانو بریو<sup>۷</sup>، آلفرد اشنیتکه، ادیسون دنیسوف<sup>۸</sup> و بسیاری دیگر اطلاق شد. اما در این نوشتار، منظور از پلورالیسم، به‌عنوان مکتبی از مکاتب آهنگسازی در موسیقی معاصر نیست، بلکه به‌معنای عام آن است؛ و مفهوم

۱. Polystylism: استفاده از سبک‌ها یا تکنیک‌های متعدد و گوناگون در یک اثر هنری است که از مشخصات اصلی پست‌مدرنیسم است.

2 Alfred Schnittke (1934-1998)

۳. Totalism: گرایشی در موسیقی معاصر آمریکا که بعد از مینی‌مالیسم و به‌موازات پست‌مینی‌مالیسم توسط آهنگسازی ایجاد شد که در حدود دهه ۱۹۵۰ متولد شده‌اند. استفاده از ریتم‌های بسیار پیچیده، حتی با تمپوهای مختلف روی هم و گاهی ایجاد فواصل میکروتونال و تقسیم کردن یک اکتاو به پیچ‌هایی با فواصل غیرمساوی، به‌طوری که به‌عقیده کایل گن - یکی از آهنگسازان و نظریه‌پردازان این مکتب - این ساختار پیچیده ظاهری قابل درک برای مخاطب دارد و درکی بی‌واسطه و مستقیم برای مخاطب ایجاد می‌کند.

4. Michael Gordon (b 1956)

5. Paul Griffiths (b 1947)

6. Bernd Alois Zimmermann (1918-1970)

7. Luciano Berio (1925-2003)

8. Edison Denisov (1929-1996)

و تصویری است که از تاریخ موسیقی به دست می‌آید. (بدیهی است که منظور از پلورالیسم، پلورالیسم هنری است.)

تجربه‌گرایی‌ای که از اوایل قرن بیستم آغاز گشت، با وجود تمامی دستاوردهای مدرنیسم، موسیقی بعد از جنگ جهانی دوم و به‌خصوص در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ با امتزاج و اختلاط عناصر مختلف و بازگشت به گذشته و موسیقی تونال در نیمه دوم قرن بیستم، باعث شروع پست‌مدرنیسم می‌گردد. سوال تاریخی تاریخ معاصر این است که پست‌مدرنیسم رو به جلو حرکت می‌کند یا رو به عقب؟

تصویری که به دست می‌آید، این گونه است که به‌طور کل، آلمان‌های مکاتب و نگرش‌های هنری مختلف، متفاوت و متضاد کلاسیسیسم، رمانتیسیسم، امپرسیونیسم، اکسپرسیونیسم، مینی‌مالیسم، سریالیسم، موسیقی اکسپریمنتال<sup>۱</sup>، موسیقی کانسپچوال، موسیقی باروک، قرون وسطی و رنسانس، موسیقی‌های محلی و بومی، میکروتونالیت، موسیقی جاز و راک و پاپ، موسیقی تصادفی و بسیاری عوامل متضاد آهنگسازی به‌طور هم‌زمان در یک کمپوزیسیون دیده می‌شود. این هم‌زمانی‌ایسم‌های متعدد، که از مشخصه‌های موسیقی معاصر به‌شمار می‌آید، پلورالیسم در موسیقی پست‌تونال است. پلورالیسم هنری موسیقی معاصر مانند اثر انگشت هنرمند مولف است که بی‌همتاست، اما ادعای بی‌همتایی‌ای را که مدرنیست‌ها داشتند، ندارد. از این روی، برخلاف تاریخ سنتی موسیقی که مسیری خطی را می‌پیمود، و نوک پیکان آن فقط رو به جلو بود، موسیقی معاصر، به‌گونه‌ای پلورالیستی، وجوه مختلف خود را باز می‌نماید. این موسیقی مسلماً به‌طور طبیعی، رو به جلو حرکت می‌کند، اما هدف اولیه آن صرفاً پیشرو بودن نیست. نوک پیکان آن چندوجهی است و یا اصلاً نوک پیکان واضحی وجود ندارد، بلکه آفرینندگی هنری، دغدغه اصلی آن است.

پلورالیسمی که در پست‌مدرنیسم یا موسیقی معاصر شکل می‌گیرد، پُر روشنفکری «هنر برای هنر» آوانگاردهای مدرنیست را ندارد، بلکه لایه‌های چندبعدی و چندوجهی هنری خود را در خدمت آفرینندگی یا تألیف اثری - چه بسیار ساده و چه بسیار پیچیده، اما بی‌ادعا - قرار می‌دهد. در همین راستا، کایل گن<sup>۲</sup> (آهنگساز و مورخ آمریکایی) می‌گوید: «ساختار برای مخاطب، در پس پرده قرار می‌گیرد.» یعنی برخلاف مدرنیست‌ها که مدام در حال به رخ کشیدن ساختار، به‌زعم

۱. Experimental music: موسیقی تجربی، نوعی از موسیقی که در اواسط قرن بیستم ظهور کرد و در آن نتیجه کار قابل پیش‌بینی نبود. این موسیقی در تضاد با موسیقی رسمی دارای کمپوزیسیون، اجرا و زیبایی‌شناسی‌های قراردادی و سنتی موسیقی قرار می‌گیرد. جان کیچ یکی از مشهورترین و تأثیرگذارترین موسیقی‌دانان این سبک بود.

2. Kyle Gann (b 1955)

خودشان، پیچیده آثار خود به مخاطب هستند، آهنگسازان معاصر یا آهنگسازانی که با رویکرد معاصر آهنگسازی می‌کنند، هر چقدر هم ساختاری پیچیده در اثر خود داشته باشند، این ساختار، به رخ مخاطب کشیده نمی‌شود، بلکه این معنویت اثر و درک آهنگساز از خود است که با مخاطب، ارتباط برقرار می‌کند. خودی که انسان است و ممکن است وجوه پیچیده لایه لایه‌ای داشته باشد و یا آن قدر ساده باشد که مانند لوح سفیدی عرض اندام نماید. در هر صورت، پیچیدگی و یا ساده بودن دلیلی بر ارزش‌گذاری هنری قلمداد نمی‌گردد.

اثری معاصر است که المان‌های آن بی‌واسطه و مستقیم<sup>۱</sup> با مخاطب خود ارتباط برقرار کند و این توانایی علمی شگرف آهنگساز را می‌طلبد. آهنگساز معاصر به تاریخ موسیقی به چشم تجربه می‌نگرد و بدون تقلید یا جانب‌داری از منش یا ایسم تاریخی‌ای، تکنیک‌های آن را فرا گرفته، اما در نهایت این درون چندوجهی انسان مولف موسیقی، یعنی آهنگساز، است که آن را در اثر خود، باز می‌نمایاند. پلورالیسم، با اعلام پایان ایسم‌ها، با پذیرش همه ارزش‌ها و همه ایسم‌ها، با اینکه از سویی شاید یک وجهه آن، ایجاد هرج و مرج باشد، اما از منظر اراده هنرمند مولف، ابزاری برای آفرینش هنری است، که هدفی جز همین آفرینش هنری نیست. چارلز جنکز<sup>۲</sup> می‌گوید: «پلورالیسم "ایسم" روزگار ماست ... پلورالیسم به معنای واژگون کردن ارزش‌های نهادینه شده گذشته نیست، بلکه ناظر بر پذیرش گوناگونی‌هاست ... دیگر امکان یک نگرش هم‌سو و مشترک نسبت به جهان از میان رفته است.»

پلورالیسم تابوشکن، چندوجهی‌نگر و البته جزئی‌نگر، با قداست‌زدایی از هنر، و تضاد با وجهی از تاریخ موسیقی قهرمان‌پرور و بالاخص، مدرنیسم یک‌سویه‌نگر، نخبه‌گرا، تابوانگار و کلی‌نگر که گاهی صرفاً اثری تاریخی و نه هنری، خلق می‌کرد، هنری که بعضاً بدون پشتوانه فلسفی، ارزشی نداشت، اثری هنری و واقعی، نه صرفاً تاریخی به وجود آورد. مدرنیسم، در کنار تجربه پیچیده‌انگار سریالیسم و سریالیسم انتگرال<sup>۳</sup> یا توتال‌سریالیسم<sup>۴</sup> که رویکردی ریاضی‌وار به موسیقی داشت، با تجربه کانسپچوالیسم و موسیقی تصادفی یا شانسی، مانند بخشی از آثار اشتوکهاوزن<sup>۵</sup> و جان کیج<sup>۶</sup> که بدون پشتوانه فلسفی نمی‌توانست روی پای خود بایستد، به مینی‌مالیسم رسید.

1. Naive

۲. Charles Jencks (b 1939): تئورسین و تاریخ‌نگار معماری آمریکایی.

3. Integral serialism

4. Total serialism

5. Karlheinz Stockhausen (1928-2007)

6. John Milton Cage (1912-1992)

این تجارب به ظاهر پیچیده، موسیقی‌ای بود که به قول استیو رایک<sup>۱</sup> آهنگساز آمریکایی: «در موسیقی آنها نه هارمونی وجود داشت، نه ملودی و نه ریتم. فقط یک سری قاعده و قانون وجود داشت که بنیان‌های موسیقی همچون ملودی و ریتم و هارمونی را حذف کرده بود. آنگاه اگر من هیچ‌وقت به دنیا نمی‌آمدم، اگر آروو پرت<sup>۲</sup> هیچ‌وقت به دنیا نمی‌آمد، اگر تری رایلی<sup>۳</sup> هیچ‌وقت به دنیا نمی‌آمد ... یک نفر بالاخره با یک جاروی بزرگ پیدا می‌شد، می‌آمد و می‌گفت: اینجا چقدر به هم ریخته است. من تمیزش می‌کنم. و بر می‌گشت سراغ پایه‌ها و بنیان‌های موسیقی.» مینی‌مالیسم و پست‌مینی‌مالیسم برخلاف هنرهای دیگر مانند هنر تجسمی که پایان مدرنیسم هستند، در موسیقی، شروع پست‌مدرنیسم هستند. چون علاوه بر رجعت به گذشته تونال و ساده‌گرایی، برخلاف موسیقی برخی از مدرنیست‌های میانه قرن بیستم که اکثر مخاطبان آن به‌جز فریفتگان روشنفکر مآب نبودند و روز به روز نیز کمتر می‌شدند، مخاطب پرشمار، آگاه و فراگیر یافت.

پلورالیسم در دوره‌های مختلف تاریخ به شکل‌های مختلف ظهور پیدا کرده، اما در هنر معاصر به اصلی‌ترین مشخصه این دوره مبدل گشته‌است که برای آشنایی و درک آن باید تقریباً تمامی مکتب‌ها، سبک‌ها و نگرش‌های تأثیرگذار تاریخ موسیقی را به‌طور تخصصی شناخت. از منظر تاریخ ملون موسیقی، پلورالیسم موسیقی معاصر، ریشه در دوآلیسمی دارد که از رنسانس آغاز گشت و همین‌طور تا امروز، به شکل پیچیده و چند وجهی‌ای، ادامه دارد، به شکلی که در هر دوره‌ای به‌گونه‌ای و به‌خصوص در دوره معاصر به‌طرز شگفت‌آوری، بسط و گسترش یافت. گذشته از سیر تاریخی پیوسته رنسانس تا امروز، از منظر دیگری ریشه‌های پلورالیسم را که به‌اندازه کل موسیقی فولکلور اقوام و ملل جهان از دوران باستان گسترده است، می‌توان بررسی نمود.

تاریخ موسیقی با استناد به مدارک، منابع و متون ادبی، حجاری‌ها و سازهای به‌دست آمده از دوران باستان و با تکیه بر دانش اتنوموزیکولوژی، موسیقی دوران باستان و کهن جهان را بررسی می‌نماید. یکی از مستندترین و قابل دسترس‌ترین راه‌ها برای تحقیق درباره موسیقی کهن، تحقیق در موسیقی دورافتاده‌ترین و بکرترین موسیقی‌های ملل و سرزمین‌های مختلف جهان است. به‌خصوص موسیقی‌های مذهبی و آیینی که جنبه سرگرمی نداشته‌اند، قابل استنادترند. چون موسیقی باستان و کهن، در جهت اهداف هنری با معنای امروزی هنر، نبوده و نمی‌توانسته باشد و از سویی دیگر نیز کمتر جنبه سرگرمی داشته و بیشتر در خدمت مراسم آیینی، ارتباط، کار، سحر و جادو و مذهب

1. Steve Reich (b 1936)
2. Arvo Pärt (b 1935)
3. Terry Riely (b 1935)



بوده است. به عنوان مثال، موسیقی بودایی‌ها در تبت از آنجا که مقدس بوده و در امر قدسی، معتقدات اعتقادی بودن موسیقی که جزئی از مذهب بودایی بوده، تحریف به ندرت اتفاق می افتد. همین می توان حدس زد، موسیقی بودایی امروز با موسیقی کهن و باستانی آن تفاوت چندانی ندارد. موسیقی باستان و کهن ممکن است غالباً مونوفونیک باشد، اما نکته ظریفی در مونوفونیک بودن آن نهفته است و آن هتروفونیک بودن آن است. البته بافت هتروفونیک با اینکه بیشتر موسیقی خاورمیانه و یونان باستان اطلاق گردیده، اما با مطالعه موسیقی دیگر مناطق مختلف جهان می توان به اصالت این موضوع در تقریباً تمامی موسیقی های محلی جهان پی برد. هتروفونیک حتی موسیقی دوران باستان و موسیقی ملل زمینه ساز تجارب بدوی بافت هوموفونیک و کتروپانتال<sup>۱</sup> نیز شد. اساساً موزیکولوگ معاصر هنگامی به عمق ارزش هنری بافت هتروفونیک موسیقی کهن پی برد که دانش موسیقی کلاسیک و مدرن را فرا گرفت و بنابراین، این آگاهی عالمانه در قرن بیستم و در دوران موسیقی مدرن اتفاق افتاد. در همین راستا، وجوه دیگر موسیقی کهن مانند ایزوریتیم<sup>۲</sup> و پلی ریتیم<sup>۳</sup> گسترده موسیقی کهن و رنگ آمیزی غیر قابل پیش بینی و عدم قطعیت ناشی از بداهه نوازانه بودن آن موسیقی، مواردی است که در دوران معاصر به آن پی برده شد حتی بافت پلی فونیک نیز به شکل پیشرفته و مدرنی در برخی از موسیقی های کهن دیده می شود که آثار بسیاری از آهنگسازان مدرن و معاصر را تحت تأثیر قرار داده است. به عنوان مثال، موسیقی جزایر پلی که به شدت پلی فونیک بوده و تأثیر آن به وضوح بر روی آثار استیو رایک به خصوص اثری به عنوان موسیقی برای ۱۸ موزیسین<sup>۴</sup> مشهود است.

این گوناگونی بسیار گسترده که انتهای گستره آن قابل رؤیت نیست، گسترده ترین و پلورالیستی ترین وجوه تاریخ موسیقی است. اگر این دنیای گسترده و لایتناهی پلورالیستی نورانی کهن را ریشه های درخت تنومند تاریخ موسیقی که در تندباد تاریخ سربرافراشته و تا امروز رشد کرده و شاخ و برگ های آن به مثابه موسیقی معاصر بر تاریخ معاصر سایه افکنده، در نظر بگیریم، به راحتی تشابه عجیب و در عین حال متضادی بین ریشه های گسترده موسیقی کهن و شاخ و برگ های

۱. homophonic
۲. counterpointal
۳. heterophonic

۴. Isorhythm: الگوی ریتمیکی که در ادامه قطعه دو یا چند بار ظاهر می گردد. این الگوی ریتمیک معمولاً روی یک سبک منطبق نیست.

۵. polyrhythm
۶. Music for 18 musicians

#### مقدمه ۱۵

متنوع و بی‌شمار موسیقی معاصر پی خواهیم برد. این درخت که نماد رشد تفکر موسیقی در تاریخ بشر است و بالطبع بخش قابل توجهی از آن، در تاریخ علمی موسیقی اروپا نمو یافته، رشد کرده و زیبایی کلاسیک یافته، در اوج رشد تنه اصلی خود در اواخر قرن نوزدهم به موسیقی روسیه و سپس اروپای شرقی و بعد از آن به موسیقی آمریکا و در آخر به اندازه تمام ممالک و مناطق مختلف جهان امروز گسترده می‌شود.

ALI AHMADIFAR

## PLURALISM IN POST-TONAL MUSIC

نگریستن به موسیقی معاصر، مانند نگریستن به حجمی چندضلعی نامنتظم است که ناظران مختلف از زوایای دید مختلف، هر ضلع آن را با کیفیت و اندازه های مختلف در پرسپکتیوهای مختلف با خطای دید مختلفی می بینند؛ که این وجوه مختلف موسیقی معاصر به اضافه زاویه دید مختلف ناظران مختلف، پلورالیسم در موسیقی معاصر را تشکیل می دهند.

مجموعه آثار موسیقی جهان ۱۱



978-622



786236